پیوند زبان فارسی و عربی

محمدی عراقی، محمود

پیوند و ارتباط فرهنگی میان ایران و اعراب‏ در طول تاریخ آنچنان گسترده و عمیق است که با جرأت می‏توان گفت هیچ گاه بین دو زبان یا دو فرهنگ مستقل،چنین رابطه تنگاتنگی وجود نداشته است.

میان زبان عربی و فارسی،همواره داد و ستد فرهنگی و متقابل صورت می‏پذیرفته،زیرا ارتباط اعراب با ملت ایران و زبان فارسی و آداب و رسوم‏ ایرانی و اندیشه‏های علمی آنان،مستقیم و بدون‏ واسطه بوده و به ترجمه و اندیشه‏های نظری، منحصر نمی‏شده است.

این رابطه نزدیک و مستحکم،از زبان فارسی‏ عاملی مهم و کارساز در پیشبرد ادبیات عرب در اوایل دوره خلافت عباسی ساخت و باعث نفوذ فرهنگی ایرانیان در میان اعراب شد.البته این نفوذ و تأثیر گذاری،ظاهری و سطحی نبود،بلکه علمی‏ و معنوی بود.زیرا آنان نه تنها در آداب و مراسم، از ایران و ایرانیان تأثیر پذیرفتند،بلکه در مسیر تکامل‏ علوم،حکمت،اخلاق و روش‏های اداری و حکومتی از کتاب‏های ایرانی بهره می‏جستند. عده‏ای از دانشمندان ایرانی،بعضی از کتاب‏های‏ فارسی را به عربی ترجمه کردند و دریچه‏هایی‏ از علوم را به روی اعراب گشودند.

در برابر نفوذ علمی و ادبی و اجتماعی ایرانیان، زبان عربی نیز در ایران،تأثیر و نفوذ فراوان یافت، به گونه‏ای که در سده‏های نخستین اسلام،بیشتر دانشمندان ایرانی هم به فارسی و هم به عربی سخن‏ می‏گفتند و به تألیف و تصنیف می‏پرداختند.

دانشمندان ایرانی در تعلیم و ترویج زبان عربی‏ به عنوان زبان دین و لغت قرآن کوشیدند و علاوه بر تألیفات خود به فارسی و عربی،آثار علمی پیشینیان‏ را نیز به زبان عربی برگرداندند و بدین گونه زبان‏ عربی در آن دوره در ایران،زبان علم و ادب و سیاست و دیانت شد.

در سایر بلاد اسلامی نیز زبان عربی علاوه بر این‏ که زبان دین به شمار می‏رفت در قرون اولیه پس‏ از ظهور اسلام،زبان رسمی،علمی و فرهنگی‏ در سرزمین‏های اسلامی نیز به شمار می‏رفت و بنابراین،به سرعت گسترش یافت.زیرا دانستن آن‏ برای فراگیری علوم و فنون و کسب دانش‏های‏ گوناگون،در حکم مقدمه واجب به شمار می‏آمد. اما نفوذ زبان عربی فقط به خاطر رسمیت داشتن آن‏ نبود،بلکه این زبان دارای ظرفیت وسیع،واجد لغات و واژه‏های بیشتری برای شرح و بسط علوم‏ آن زمان نیز بود.

یکی از علل توسعه زبان عربی در بین ایرانیان، ورود ایرانیان به تمام شؤون لشکری و کشوری و در اختیار گرفتن مناصب بالای حکومتی،از قبیل‏ وزارت و کتابت خلفاء و امراء و اشتغال به علم و ادب و خدمات دیوانی و نظایر آن بود و چون ایرانیان‏ سوابق ممتدی در فنون ادب و تألیف کتب داشته و دارای آثار ادبی فراوان بودند،طبعا فصاحت و بلاغت هر زبان را درهم آمیختند و آن را به صورتی‏ کامل درآوردند.در عین حال،یکی دیگر از این‏ علل،برگرداندن کتب ادبی،تاریخی و داستان‏های‏ ملی ایرانیان و امثال و حکم و اخلاق و عرفان آنان‏ به زبان عربی بود که بیشتر به دست بزرگترین‏ نویسنده و مترجم آن عصر«عبد الله بن مقفع» صورت گرفت و بعد از او نیز تا مدت‏ها ادامه‏ داشت.

از آغاز قرن سوم هجری،در نواحی مشرق‏ و شمال شرقی ایران،زبان فارسی به همراه‏ آمیختگی با شعر و ظهور شاعران و نویسندگان، مراحل تکوین و تکامل خود را طی کرد،اما در قلمرو فرمانروایی«آل بویه»و در مناطق غربی و جنوبی ایران،زبان و ادبیات عرب با استقبال امیران‏ و حکام و تشویق بزرگان روبه‏رو بود و دانشوران‏ شاخص ایرانی از قبیل«ابو نصر فارابی»و «محمد زکریای رازی»و دیگران کتاب‏های علمی‏ خود را به زبان عربی و برخی از آنان به دو زبان‏ فارسی و عربی می‏نگاشتند.گسترش و نفوذ علم‏ و معارف اسلامی،موجب تألیف کتاب‏های بسیار به زبان عربی شد که«ابن ندیم»در کتاب«الفهرست» از آنها نام برده است.آثار این نویسندگان خود معرف صبغه ایرانی تمدن و فرهنگ اسلامی است.

پژوهشگران امروزی،تحول نثر ساده عربی به‏ نثر فنی قرن چهارم هجری را حاصل کوشش‏های‏ علمی عده‏ای از نویسندگان ایرانی عربی نویس از قبیل«صاحب بن عباد»،«ابو بکر خوارزمی»و «بدیع الزمان همدانی»و امثال ایشان می‏دانند و بر این‏ باورند که ایرانیان عربی نویس که در زبان عربی مهارت بسیار داشتند و عربیت برای آنان طبیعت‏ ثانوی و زبان دوم ولی مثل زبان مادری شده و به‏ صورت قریحه درآمده بودند نه تکلف،بلکه نقشی‏ غیر قابل انکار در این تحول داشته‏اند:در این زمان‏ دانشمندان و شاعران دوزبانه یا ذو اللسانین با تسلط بر صرف و نحو و لغت و اشتغال زبان عربی،به‏ تألیف کتب،ترجمه آثار و انتقال افکار پرداختند که‏ در معرفی برخی از فرزانگان و شاعران ذو اللسانین‏ و آثار فارسی و عربی آنان می‏توان به این افراد اشاره‏ کرد:

«ابو علی حسین بن عبد الله بن سینا» (شیخ الرئیس)که مشهورترین کتاب‏های او به عربی‏ «الشفاء»و«القانون»است و«دانشنامه علایی»و «رساله‏ای در حقیقت و کیفیت»و نیز«معراج نامه» از آثار فارسی اوست.

«ابو حامد محمد غزالی»صاحب کتاب«احیاء علوم الدین»به عربی و مختصر آن«کیمیای سعادت» به فارسی است.همچنین کتاب«المنقذ من‏ الضلال»و«تهافت الفلسفه»به عربی و «نصیحة الملوک»به زبان از اوست.

«ابو الفتح عمر بن ابراهیم خیام شیرازی»نیز از کسانی است که به دو زبان عربی و فارسی‏ کتاب می‏نوشت و از تألیفات عربی او«رساله‏ فی الطبیعیات»و«رساله فی الجبر و المقابله»و از آثار فارسی او،می‏توان کتاب‏های«نوروزنامه» و«رساله وجودیه»را نام برد.

-و دانشمند بزرگ«خواجه نصیر الدین طوسی» صاحب کتاب«تجرید العقائد»به عربی و«اخلاق‏ ناصری»به فارسی.

همچنین ابو ریحان بیرونی،رشید الدین‏ قرطواط،جار الله زمخشری و سعدی شیرازی و صاحب قاموس و بسیاری دیگر از جمله فرزانگانی‏ بودند که آثارشان دربردارنده انواع علوم،لغت‏نامه‏ آداب،حکمت‏ها و اندیشه‏های استوار،به‏ زبان‏های فارسی و عربی بوده است.

و همچنین شاعران بسیاری که به هر دو زبان‏ شعر می‏سرودند و..

زبان عربی تقریبا تا اواخر قرن سوم هجری در رتبه نخست قرار داشت و این در حالی بود که‏ ایرانیان به تدریج از نو،نهضت اجتماعی خود را آغاز کرده و سعی داشته تا زبان فارسی جدید را احیاء کنند.با این تفاوت که این بار،زبان فارسی‏ بر بسیاری از کلمات و اصطلاحات عربی تکیه‏ داشت.در واقع عصر نهضت فارسی،بر زبان‏ فارسی خالص تکیه نداشت،بلکه نویسندگان و شاعران،برخی از واژه‏ها و عبارات را از عربی‏ گرفتند و در شعر از بحرهای شعر عربی بهره جستند و در آن تغییراتی ایجاد کرده و برخی از صورت‏های‏ شعری جدید،بدان افزودند،مانند:مثنوی و رباعی؛بطوری که شاعر ایرانی چنانچه به زبان‏ عربی بطور کامل آشنایی نداشت یا اشعار عربی را حفظ نبود،نمی‏توانست بخوبی به زبان فارسی‏ شعر بسراید.از اینرو ممکن نبود نویسنده یا شعر، مطلبی را به فارسی بنویسد یا بسراید و نوشته یا سروده‏اش،عاری از الفاظ عربی باشد.بهترین‏ مثال بر این امر،شاهنامه فردوسی است.

حکیم ابو القاسم فردوسی بر آن بود تا شاهنامه‏ با قدیمی‏ترین و اصیل‏ترین عبارات و شیوه‏های‏ فارسی سروده شود،اما هیچکس نمی‏تواند بگوید که این منظومه شصت‏هزار بیتی،خالی از کلمات‏ عربی است و برخی از محققان،شاهنامه را دارای‏ تقریبا هشتصد کلمه عربی می‏دانند و البته بعضی‏ دیگر از پژوهشگران در تعداد این کلمات اختلاف‏ نظر دارند.

ادوارد براون؛شرق‏شناس در این باره‏ می‏گوید:چنانچه کسی بخواهد چیزی به فارسی‏ بنویسد بطوریکه تهی از الفاظ عربی باشد،این کار بر او دشوار خواهد بود همینطور است چنانچه کسی‏ بخواهد چیزی به انگلیسی بنویسد و نوشته‏اش از کلمات مشتق از اصل یونانی یا لاتین یا فرانسوی‏ خالی باشد.شاید برخی در محدوده تنگ بتوانند این کار را انجام دهند ولی فهم نوشته‏های آنان اگر از لغت‏نامه استفاده نشود،همچنان دشوار خواهد بود.»

تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی در نقل جملات‏ و عبارات عربی،میان عبارات فارسی ظاهر می‏شود،بخصوص در ادعیه و مناجات همچنین‏ ایرانیان،به ذکر آیات قرآن و برخی از احادیث‏ و ضرب المثل‏های عربی در کتاب‏های خود می‏پرداختند و حتی برای کتاب‏های فارسی خود، مقدمه‏های عربی می‏نوشتند.همچنین عناوین‏ برخی از کتاب‏ها را به زبان عربی می‏نگاشتند،به‏ گونه‏ای که پنداشته می‏شوند آنها کتاب‏هایی عربی‏ است،زیرا اسامی آنها عربی است،مانند: تذکرة الاولیاء،زاد المسافرین،جامع التواریخ، لباب الالباب و...ولی هنگام مطالعه،خواننده آن‏ را تماما فارسی می‏یابد.یکی از هنرهایی که در نتیجه‏ تأثیر زبان عربی بوجود آمد.ملمع بود که در آن شاعر در هر بیت،یک مصراع را به عربی و یک مصراع را به فارسی می‏آورد،یا یک یا چند بیت را به عربی و یک یا چند بیت دیگر را،به فارسی می‏سراید. سعدی شیرازی،شاعر بزرگ ایرانی از این هنر بخوبی بهره جسته و قصیده‏های ملمع زیبایی سروده‏ است.

همچنین شاعر غزلسرای ایرانی حافظ شیرازی،غزلیات ملمعی سروده است که از آن‏ جمله می‏توان به غزلی اشاره کرد که با این مطلع‏ آغاز می‏شود:

الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد و مشکل‏ها

آمیختگی زیبای فارسی و عربی

هیچ دو زبان مستقلی را نمی‏شناسم که بمانند فارسی و عربی درهم آمیخته و از یکدیگر در شعر و نثر تأثیر پذیرفته باشند.

شاعران پارسی‏گوی،علاوه بر آنکه اشعار بسیاری در انواع قصیده و غزل و سایر انواع شعر تماما به زبان عربی سروده و در دو اوین شعر خود بیادگار گذاشته‏اند.روش دیگری نیز ابداع کرده و در مطاوی اشعار فارسی،به صورت تک جمله‏ عربی و گاه یک مصراع و گاه یک یا چند بیت به‏ زبان عربی،در ضمن اشعار پارسی آورده‏اند.در این‏ نوع دوم،شاید بتوان گفت فراوان‏تر نمونه را به‏ بهره‏گیری از آیات قرآنی و احادیث نبوی و ضرب‏ المثل‏ها(امثال رایج)در زبان عربی و فارسی تشکیل‏ می‏دهد.)

در اینجا،مناسب است از کتاب برگزیده محقق‏ معاصر،جناب آقای محمد رضا عادل که«فرهنگ‏ عبارت‏های عربی در شعر فارسی»را در بیش از دوهزار صفحه گرد آورده،یاد کنیم.در این کتاب‏ وزین،به ترتیب الفبایی با استفاده از حدود 110 مضامین و عبارات عربی در شعر پارسی از آغاز ورود اسلام به ایران تا زمان عبد الرحمن جامی، گردآوری و شرح شده است که به چند نمونه به‏ عنوان قدرشناسی اشاره می‏کنم:

1-

ان الله الشتری فی المؤمنین انفسهم و اموالهم‏ ...

قرآن توبه 9

شربتی خوردم ز«الله اشتری»تا به محشر تشنگی ناید مرا

اگر چه متأسفانه در سده‏های اخیر،نفوذ استعمار و ایجاد تفرقه بین ملل مسلمان و ترویج‏ ناسیونالیسم بین فارس و عرب و ترک و سایر ملت‏های اسلامی،جدایی و گاه مع الاسف‏ دشمنی،ایجاد کرد،به طوری که ایده‏های بلند اسلامی و اندیشه‏های وحدت بخش در مقطعی، تحت الشعاع گرایش‏های ناسیونالیستی‏ قرار گرفت،لکن در برابر این اندیشه‏های وارداتی، مردان بزرگی برخاستند و چون اقبال لاهوری فریاد برآوردند که:این وطن مصر و عراق و شام نیز،این‏ وطن آنجاست،کان را نام نیست.

خدای بزرگ را سپاسگزاریم که یک بار دیگر به‏ برکت نهضت بزرگ اسلامی که به پیروزی انقلاب‏ اسلامی و اساس اندیشه‏های امام خمینی روح‏ یگانگی و علائق فرهنگی و دینی و ادبی بین ایران و کشورهای عربی و اسلامی قوت گرفت.تا آنجا که‏ شاعر بزرگ معاصر«نزارقبانی»شاعر فلسطینی‏ سوری اسلامی که اشعار او را دانش آموزان ایرانی‏ درباره انقلاب فلسطین می‏شناسند.قصیده زیبایی‏ در توصیف ایران و تهران و اندیشه‏های امام‏ می‏سرایند در حالی که هرگز تهران را ندیده است. و شاعران ایران اشعار بسیاری درباره قدس و فلسطین سروده‏اند که اگر بخواهیم به آنها بپردازیم‏ مثنوی هفتاد من کاغذ می‏شود.